



مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران
مدرسه امام هادی (علیه السلام) شهرستان شوشتر

عنوان :

علل سردی تضعیف روابط همسران

استاد راهنما :

سرکار خانم فاطمه زکی

گروه حسنی

گردآورندگان :

۱- زهرا طاهری

۲- مریم طماسبی خواه

۳- پریا نظرپور

۴- سمیه جولا شوشتری

چکیده :

عوامل متعددی وجود دارد که در ایجاد سردی بین زوجین نقش اساسی دارد. از این عوامل می توان، عدم شناخت دو طرف نسبت به یکدیگر، عدم تصمیم گیری در انتخاب همسر آینده، نگاه عمیقی نداشتن نسبت به معقوله مهم ازدواج اشاره کرد. در این میان نباید نقش فضای مجازی، اشتغال زنان، فضای اجتماعی الگوگیری های نا به جا، رسانه ها را نادیده گرفت.

با توجه به اینکه بنیان خانواده ها با ایجاد سردی بین همسران به خطر می افتد، باید راهکارهای مناسب ارائه شود. که در اسلام این چنین راهکارها سبب تحکیم بنیان خانواده و الفت بین همسران می شود به وفور یافت می شود.

کلید واژه ها: تضعیف روابط، اشتغال، نقش، طلاق عاطفی.

قطعاً بهترین طبیب و راهنما در مسائل خانواده کتاب خدا و گفتار چهارده معصوم می باشد. سردی روابط یکی از موضوعات مهم است که در جامعه به علت های مختلف از جمله فضای مجازی، مشغله زیاد و ... رواج پیدا کرده است و از آن جایی که همسران ارکان اصلی و مهم تشکیل خانواده هستند سردی روابط ضررهای غیرقابل جبرانی را بر خانواده و جامعه وارد می کنند به همین خاطر عوامل باید بررسی شوند تا سردی تبدیل با قوت شود. از آنجا که کسب آرامش و راحتی برای بشر هدف بسیار مهم و جدی به شمار می رود لذا در طی قرن اخیر آدمی تلاش های فراوانی کرده که روش های گوناگون را برای مقابله با بیماری های روحی و روانی به کار برده است.

قهري و دعوا بين همسران

یک روانشناس با بیان اینکه سردی بعد از ازدواج عوامل متعددی دارد گفت: به طور نسبی پس از فروکش کردن هیجانات بعد از ازدواج، زوجین به آهستگی و براساس شرایطی از هم فاصله می گیرند. دکتر مصطفی فروتن ضمن اعلام این مطلب که به صورت علمی و فنی نمی توان گفت بروز سردی در روابط میان زن و شوهر در ماه یا سال چندم ایجاد می شود به دلایل شکل گیری و بروز این مشکل جدی پرداخت.

انتخاب غیر اصولی: یعنی بخش قابل توجهی از انتخاب ها براساس رویکردهای اقتصادی، ظاهری، دوستی های خیابانی، ازدواج های سستی و ... صورت می گیرد که انتخاب های غیر اصولی محسوب می شوند. فقدان مهارت های زندگی : پژوهشگر علوم رفتار اظهار کرد: گاهی مواقع نیز به رغم انتخاب اصولی ولی به دلیل فقدان مهارت های زندگی، رابطه زن و شوهرها به سوی سردی پیش می رود.

عدم مسئولیت پذیری فردی در خانواده: عدم مسئولیت پذیری فرد در خانواده که به دلیل عدم تناسب آموزش اتفاق می افتد از دیگر دلایل سردی میان زوجین محسوب می شود.

زندگی صنعتی رو به مدرنیته : زندگی صنعتی برگرفته از زندگی مدرنیته و شرایط خاصی که وجود دارد زوجین را به سمت و سویی می برد که بدون میل باطنی آنها را درگیر یکسری اتفاقات می کند.

فشارهای اقتصادی: با توجه به اینکه گستره ی فعالیت هایی که زوجین باید انجام دهند بیش از حد توانشان است. بنابراین خستگی های مربوط نیز منجر به سردی روابط میان آنها می شود.

طلاق عاطفی: وی با بیان اینکه سکوت نخستین نشانه طلاق عاطفی است تأکید کرد: یعنی زن و شوهر دیگر حرفی برای گفتن با هم ندارند و تلویحاً حتی برفک تلویزیون را تماشا می کنند اما حاضر نیستند همسرشان را ببینند.

پژوهشگر عامل رفتاری عامل طلاق عاطفی را ناشی از همان عامل اول یعنی انتخاب غیراصولی دانست.

اصلاح قوانین مدنی: وی تأکید کرد همچنین قانون هایی مانند نفقه، مهریه و ... به کار کارشناسی جدید نیاز دارد. بحث آموزش های اجتماعی کاربردی که از رسانه ها مطرح می شود به طور قطع تأثیرات مثبتی بر زوجین خواهد گذاشت.

ازدواج هایی که انگیزه ی آنان سالم نیستند نیز سبب سردی بین زوجین می شود که عبارت اند از :

گریز از تنهایی بدین معنا که زن یا مرد فقط برای رفع تنهایی تن به ازدواج می دهند.

حرف مردم: دیگران از آنها می پرسند چرا ازدواج نمی کنید.

ازدواج هایی که برای مادیات و نیازهای مادی صورت می گیرد.

ازدواج هایی که برای چشم و هم چشمی با فامیل و دوستان صورت گرفته اند.

ازدواج هایی که برای به جای ماندن نسل صورت می گیرد.

ازدواج های تحمیلی که زیر نفوذ پدر و مادر صورت می گیرد و در آن خواستن نقشی ندارد. ازدواجی موفق است که زن و مرد ویژگی های همسر خود را بدانند و بپذیرند و در آخر اینکه با شناخت و آگاهی ازدواج کنند. تفاوت در زمینه های فرهنگی یکی از مهم ترین عوامل زمینه ساز در طلاق می باشد. ارزش های فردی و اجتماعی، آداب و رسوم، رفتار و سلوک و حتی آداب لباس پوشیدن و غذا خوردن زن و مرد می تواند زمینه های همدلی بیشتر را بین آنها پدید آورد.

تفاوت فرهنگی بین همسران در دو سطح می تواند آسیب زا باشد:

سطح اول تفاوت فرهنگی در خانواده های همسران :

سطح اول تفاوت فرهنگی در بین خانواده های همسران است. موضوعی که منبع اختلافات و سوء تفاهم ها می شود و خود را بیش تر در قالب اختلاف نظر در برگزاری مراسم مشترک، برخورد اجتماعی همسران و رعایت قوانین پیدا و پنهان خانوادگی نشان می دهد.

سطح دوم آسیب در میان همسران:

سطح دوم تفاوت فرهنگی ممکن است در بین خود همسران باشد و درواقع مشکلات در سطح دوم مثبت به مشکلات در سطح اول بسیار عمیق تر بوده و خانواده را به راحتی به از هم پاشیدگی می کشاند.

علی دژبانی ، کارشناس ارشد علوم تربیتی می گوید:

یکی از زمینه های اصلی در بروز مشکلات خانوادگی و اصولاً نارضایتی از زندگی مشترک، فضای مجازی و رویا گونه ای است که تحت تأثیر تولیدات رسانه ای به وجود آمده است و باعث آن شده تا سطح توقع و ارضا از زندگی مشترک را به خصوص در میان نسل جوان بالا ببرند. تحت تأثیر این فضا، آن چه جوان باید از زندگی

افراد به ناچار ساعت های طولانی بیرون از خانه کار می کنند که بعد از آمدن به خانه به خاطر تنش های طول روز کمتر با یکدیگر صحبت می کنند.

در طلاق اقتصادی که سال های اخیر، خاموش و بی صدا بین زوجین اتفاق می افتد، پول حرف اول و آخر را میزند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، منطقه خراسان جنوبی، وجود اموال و داشتن استقلال مالی هر کدام از همسران باعث به وجود آمدن اختلاف بین آنها و بحث و مشاجرات فراوان بر سر تقسیم مال و اموال و هزینه کردن دارایی ها در خانواده می شود.

بر اساس تحقیقات به عمل آمده اغلب زوج های جوان از اینکه در خصوص مسائل مالی با هم گفتگو کنند، ترس دارند و صحبت بر سر این مسائل را بی احترامی به یکدیگر تلقی می کنند، اما تحقیقات ثابت کرده است، که اغلب مشکلات رخ داده در سال های ابتدایی زندگی، ریشه در مسائل مالی دارند، علت بروز این اختلافات روشن است، درآمدهای مختلف، عادات خرید متفاوت، و احتمالاً اهداف مالی متفاوت!

شاید بتوان با صحبت کردن راجع به این مسائل در ابتدای ازدواج یا حتی قبل از ازدواج و تعیین یک الگوی مناسب اقتصادی برای زندگی مشترک، نه تنها از به وجود آمدن مشکلات اقتصادی در زندگی جلوگیری کرد، بلکه میتوان جلوی به وجود آمدن دلخوری ها و کینه ها را که زمینه ساز بروز مشکلات عاطفی بعدی، همین طور طلاق اقتصادی و به دنبال آن، در برخی از موارد باعث طلاق و جدایی قانونی می شود را نیز گرفت.

نتایج یک پژوهش که در ۶ ماهه دوم سال ۹۴ انجام شده، نشان میدهد ((ازدواج اجباری، نداشتن علاقه، بیکاری، اعتیاد مرد، خیانی یکی از زوجین، خشونت و نداشتن فرزند)) از عوامل و دلایل طلاق توافقی است. یافته های این پژوهش نشان می دهد بیکاری و مسائل مالی از مهمترین دلایل طلاق توافقی در ایام زندگی مشترک به شمار میرود.

مسائل اقتصادی میتواند عامل اختلاف در زندگی زناشویی باشد. ابعاد مختلفی که در این زمینه مطرح میشود، عبارتند از:

۱- مسکن ۲- وسائل زندگی ۳- هزینه های رفاهی و معیشتی

هر یک از امکانات فوق در زندگی نقش مهمی دارد که نبود یا کمبود آنها می تواند عامل اختلاف و ناخشنودی گردد. نکته مهم در اینجا آن است که اختلاف سطح اقتصادی در دو خانواده که قصد ازدواج دارند، باید مورد توجه قرار گیرد.

۱- نقش مسکن در زناشویی: نخستین عاملی که در مساله ازدواج مطرح می شود، عامل مسکن است. هر خانواده به یک واحد مسکونی مستقل نیاز دارد. داماد یا عروس سرخانه شدن، یا زندگی مشترک با خانواده پدر و مادر نتیجه اش دخالت های آنها و دیگر خویشاوندان، و در نهایت اختلاف و ناسازگاری است.

۲ - وسائل زندگی: برابر رسم معمول ، دختر جهیزیه ای شامل وسائل زندگی با خود به خانه بخت می برد. چنانچه شوهر روی کم بودن جهیزیه پافشاری کند و آن را وسیله ای برای تحقیر همسرش قرار دهد، زمینه ناسازگاری را فراهم می آورد. باید ازدواج را با سادگی شروع کرد و صرفا وسایل اولیه را تهیه نمود. آن چه مهم است صفا و صمیمیت و هماهنگی اخلاقی و فرهنگی است.

۳ - هزینه های رفاهی و معیشتی : در جامعه ی ما غالبا تامین هزینه های زندگی به عهده شوهر است. بعضی از دختران ملاک ازدواج را میزان درآمد پسر قرار میدهند تا بتوانند هزینه های زندگی را در یک سطح عالی تامین نمایند. ریشه ی اقتصادی اختلاف های زوجین ۱ - نداشتن مسکن و ناراحتی زوجین از اجاره نشینی یا سکونت در محل های نامناسب. ۲ - درآمد زنان که در دنیای صنعتی و یا نیمه صنعتی وارد بازار کار شده اند، برای خانواده مطرح است و از آنجا که تامین هزینه خانواده و نفقه زن بر عهده مرد است، اکثر اوقات بین زن و مرد در هزینه کردن درآمد زن اختلاف وجود دارد، و گاه مشاجره و ناسازگاری در پی می آورد.

۳ - چون زن بیشتر وقت خود را در خانه می گذراند و به علاوه کار آشپزی و نظافت و سایر امور خانه به عهده ی اوست لذا رغبت زیادی به استفاده از وسایل مدرن نشان می دهد و فشار زیادی برای خرید آنها به شوهر و هرد می کند و چون غالباً تهیه آنها برای شوهر میسر نیست، اختلاف و ناسازگهری پیش می آید.

۴ - بالا بودن هزینه های زندگی و احتمالاً مهمانداری از خانواده های وابسته.

۵ - شوهرانی که به خاطر ثروت زن با وی ازدواج کرده اند و در عمل زن ثروت خود را در اختیار آنان نمی گذارد.

۶ - رفاه طلبی بعضی زنان که بدون توجه به درآمد شوهر به خرید های غیر ضروری می پردازند.

۷ - زنان اسراف کاری که قناعت و صرفه جویی برای ان ها مطرح نیست موجبات نارضایتی و در نهایت ناخشنودی همسر خود را فراهم می کنند.

۸ - شوهری که زیر بار هزینه های خانواده ، کمرش خم می شود، مجبور است به شغل دوم و سوم روی آورد و در نتیجه همیشه خسته و عصبانی است.

استرس در خصوص مسائل مالی بسیار گسترده و متنوع است. این قبیل استرس ها می توانند سبب بروز تنش عصبی ، کاهش احساس نزدیکی میان زوج ها و بدتر از همه بازی مقصر یابی شوند.

در برخی موارد ، استرس های مالی بغرنجی که راه حل ساده ای ندارند می توانند به طلاق منجر شوند. بنابراین این مساله که زوج ها تلاش میکنند با گفتگو استرس های مالی خود را کاهش دهند، دارای اهمیت اساسی است.

نتیجه گیری :

بنابراین با جایگزینی راهکارهای استحکام پیوند بین زوجین به جای عوامل تضعیف روابط می توان تا حد بسیار زیادی به ایجاد آرامش بین زن و شوهرها کمک نمود و طلاق های عاطفی را کاهش داد. زوجین با افزایش شناخت نسبت به هم و تلاش برای حفظ زندگی مشترک آرامش را به خود و خانواده هدیه دهند.

منابع و مأخذ :

* قرآن کریم

- ۱- بستان، حسن، اسلام و جامعه شناسی خانواده.
- ۲- جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، نوبت چاپ ۶ آذر ۸۱، مرکز نشر اسراء.
- ۳- زعفران چی، لیلا سادات، اشتغال زنان.
- ۴- کلینی، احمد، اصول کافی، ج ۴، انتشارات مسجد چهارده معصوم (ع) بی تا.
- ۵- عاملی، شیخ حر، وسائل الشعیه، ج ۲ و ۳.
- ۶- عوفی، سیدالدین محمد، جوامع الحکایات ولوامع الروایات ص ۳۲۱.
- ۷- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰.
- ۹- مرتضوی، سیدضیاء، درآمدی بر شناخت مسایل زنان، ناشر مؤسسه بوستان کتاب.